

داستان جلد
COVERSTORY

در نشست «بررسی ابعاد و چالش‌های طرح ساماندهی کودکان کار» مطرح شد

کودکان کار؛ میوه‌های تلخ فقر...

برای بازگشت کودکان کار به چرخه زندگی عادی، قبل از هر چیز باید حمایت اجتماعی از خانواده‌های فقیر در اولویت قرار بگیرد. نه پاک‌سازی خیابان‌ها از این کودکان.

کودکان کار سال‌هاست جزء جدایی‌ناپذیر خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور هستند. به خصوص در فصل تابستان، به همان میزان که بر شمار آن‌ها افزوده می‌شود، مسائل و حواشی‌شان نیز بیشتر در کانون توجه قرار می‌گیرد. سازمان بهزیستی از سال ۸۴ که آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار خیابانی به تصویب رسید، رویکرد خود را بر جمع‌آوری و جذب این اقشار قرار داده و همین موضوع صدای فعالان و نهادهای مردمی حامی حقوق کودکان را بلند کرده است. منتقدان به روش اجرای این طرح‌ها که گویا تا امسال قریب به ۳۰ بار اجرا شده، ایراد می‌گیرند و می‌گویند پدیده کودکان کار و خیابان به ذات آسیب

اجتماعی است که کنترل و کاهش آن با رویکردهای حذفی ممکن نیست. ناظران ایراد کار را در مناسبات نابرابر و فقرسازی می‌بینند که کودکان کار و خیابان، نخستین و شاید مهم‌ترین قربانیان آن هستند. کودکانی که اکثر آن‌ها از میان خانوارهای فقیر و حاشیه‌نشین و در اغلب اوقات به اجبار راهی خیابان‌ها می‌شوند، بازنمایی آن‌ها در ادبیات رسمی و جهت‌گیری‌های سیاست‌گذارانه، آسیب‌زاست. یعنی به کودکان کار به مثابه بحرانی دامن‌گیر نگرسته می‌شود که باید چهره شهر از آن‌ها پاک شود و با همین نگرش نیز همه ساله طرح جمع‌آوری و ساماندهی کودکان کار به صورت مقطعی اجرایی می‌شود بی‌آنکه به نتیجه رضایت‌بخشی ختم شود. امسال نیز طرح ساماندهی کودکان کار از ۲۲ خرداد ماه در تهران کلید خورد، اما میزان مخالفت‌ها با آن بیش از سنوات گذشته بوده است. به خصوص اینکه گزارش‌هایی درباره

رویکرد ساماندهی کودکان کار و خیابان اجتماعی می‌شود

تدوین کرده‌ایم و در سیاست‌گذاری‌های نیز نهادهای مدنی را به مشارکت طلبیده و بر توانمندسازی خانواده‌های آن‌ها تاکید کرده‌ایم.

ارتباط با سمن‌ها تعاملی است و کوشیده‌ایم حداقل نظر مشورتی نهادهای مدنی را اخذ کنیم. برای مثال در طرح شناسایی اقشار کم‌درآمد، از نهادهای مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان خواسته‌ایم، فرزندان خانوارهای کم‌درآمد را به وزارت رفاه معرفی کنند تا از خدمات حمایتی برخوردار شوند، یا اینکه در طرح شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل نیز، برای جلوگیری از کار کودکان، یارانه تحصیل در نظر گرفته شده است. در عین حال باید این واقعیت را هم پذیرفت که در شرایط دشوار اقتصادی حال حاضر، علاوه بر اینکه تعدادی از خانوارها به زیر خط فقر سقوط می‌کنند، ممکن است کودکان بیشتری نیز وارد چرخه کار خیابانی شوند. باید دقت کرد در بحث‌های مربوط به فقر و نابرابری و اثر تشدیدکنندگی آن بر پدیده کودکان کار و خیابان، مجموعه وزارت رفاه، یکی از قربانیان شرایط فعلی اقتصادی و اجتماعی است. وزارت رفاه کماکان باور دارد رویکرد طرح باید به حمایت اجتماعی تغییر داده شود تا با شناسایی دقیق کودکان کار و ویژگی‌های آن‌ها، سازوکاری برای حمایت واقعی و اثرگذار از این اقشار آسیب‌پذیر اندیشیده شود. طبق بررسی‌های ما، حدود ۷۰ درصد از این کودکان، مهاجر، تبعه خارجی و فاقد اوراق هویتی هستند که هیچ خاستگاه و اطلاعات موثقی درباره آن‌ها وجود ندارد، بنابراین لازم است بر نحوه ردشدن آن‌ها از مرزهای کشور یا مکان‌های استقرار و شرایط زندگی‌شان تمرکز کرد. مسئله دیگر این است که لزوماً کودکان کار در انتظار ظاهر نمی‌شوند و چه‌بسا بسیاری از آن‌ها در کارگاه‌های زیرزمینی مشغول به کارند. به عبارت دیگر، اگر سیاست‌گذاری‌ها برای کودکان کار، مناسب و منطقی نباشد، به احتمال زیاد بسیاری از آن‌ها در کارگاه‌های زیرزمینی به کار مشغول می‌شوند و وضع کنونی اسف‌بارتر خواهد شد.

متولی ساماندهی کودکان کار و خیابان، طبق مصوبه هیئت‌وزیران در سال ۸۴، وزارت رفاه بوده و شورای‌نیز به همین نام تأسیس شده است. نحوه شناسایی، ساماندهی و توانمندسازی و حمایت اجتماعی در قالب آیین‌نامه‌ای توضیح داده شد، اما متأسفانه تا سال ۹۲ مسکوت ماند. باروی کار آمدن دولت یازدهم، وزارت رفاه علاوه بر تحقیقات و مطالعات فراوان پیرامون موضوع کودکان کار، جلسات

فراوانی با ان‌جی‌اوها و نهادهای مدنی فعال در این حوزه برگزار کرد، اتاق فکر کودکان کار تشکیل شد و در نهایت آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار در جهت کاهش شمار تعداد کودکان کار و افزایش دسترسی آن‌ها به حقوق خود آسیب‌شناسی شد. در آیین‌نامه جدید به این نتیجه رسیدیم که اساساً باید بحث ساماندهی کودکان کار را کنار گذاشت و حتی نام آیین‌نامه را نیز به «حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان» تغییر دادیم که از حدود یک ماه پیش در هیئت‌دولت مطرح شده است. وزارت رفاه، رویکردش را درباره کودکان کار و خیابان تغییر داده و هم‌اینک باور به شناسایی این گروه‌ها دارد و نه جمع‌آوری آن‌ها. تغییر این جهت‌گیری و اقتباس‌سازی دولت و سازمان‌ها و سایر نهادهای متولی مسئله کودکان در کمیسیون‌های تخصصی به نظر ما کار بزرگی است که در کنار ضعف‌ها و نارسایی‌های اجرای طرح، پیشرفتی روبه‌جلو و مثبت تلقی می‌شود که نباید از آن چشم‌پوشی کرد. تا زمانی که ندانیم چه تعداد کودکان کار و خیابان در کشور داریم و از ویژگی‌های آن‌ها اطلاع نداشته باشیم، نمی‌توانیم برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم و سیاست‌ها هم لزوماً به موفقیت ختم نمی‌شوند. باید این نکته را گوشزد کنیم که گرچه مدت‌هاست طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان اجرا می‌شود، وزارت رفاه از دو سال پیش از مخالفان سربسخت آن به شیوه کنونی بوده است. بر همین اساس آیین‌نامه جدید را رویکرد حمایت اجتماعی



لیلا توحیدنی

معاون مدیر کل دفتر آسیب‌های اجتماعی وزارت رفاه

**وزارت رفاه
کماکان باور دارد
رویکرد طرح
باید به حمایت
اجتماعی تغییر
داده شود تا با
شناسایی دقیق
کودکان کار
و ویژگی‌های
آن‌ها،
سازوکاری
برای حمایت
واقعی و اثرگذار
از این اقشار
آسیب‌پذیر
اندیشیده شود**

عکس: مرزبان برای

زندانی کردن و اسکان بیش از حد ظرفیت در برخی مراکز نگهداری کودکان کار و خیابان منتشر شد و همین کافی بود تا دامنه انتقادات به سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و یکی، دو نهاد مردم‌نهاد فعال در این طرح بالا بگیرد. نهادهای مدنی می‌گویند، طرح ساماندهی کودکان کار در عمل شکست خورده و توصیه می‌کنند برای حل مسئله باید رویکرد شبه‌امنیتی را کنار گذاشت و نگاه‌های نوبت‌نی بر حمایت اجتماعی را جایگزین کرد. در هفته‌ای که گذشت، هفته‌نامه «آتیه‌نو» که رسانه تخصصی حوزه رفاه و تأمین اجتماعی است، در ادامه سلسله نشست‌های تخصصی خود، پذیرای نمایندگانی از دولت، شهرداری و یکی از نهادهای مردم‌نهاد فعال در زمینه مسائل کودکان بود تا به واکاوی طرح ساماندهی کودکان کار از منظر حمایتی و رفاهی بپردازد. در این نشست دوساعته، لیلا توحیدنی، معاون مدیر کل دفتر آسیب‌های



آرش نصر اصفهانی

مدیر کل دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران

**توسعه
حمایت‌های
اجتماعی،
سیاستی
جایگزین برای
جلوگیری از
کار کودکان
است. تا زمانی
که خانوارها از
حمایت‌های
لازم برخوردار
نباشند،
نمی‌توان انتظار
داشت فرزندان
آن‌ها به جای
مدرسه، جای
دیگری نروند**

ویژگی اصلی طرح‌های به اصطلاح ساماندهی کودکان کار این است که گویا برخی دست‌اندرکاران تنها به شکل‌های رویت‌پذیر این پدیده می‌پردازند، چرا که مسئله اصلی، نه کار کودک، بلکه فضای عمومی شهر است که کودکان کار نباید در آن دیده شوند. به قرینه معنایی اگر کودکی در مزرعه یا بنگاه یا کارگاه زیرزمینی یا گاراژ تفکیک زباله کار کند، کسی دغدغه‌ای ندارد. دغدغه جایی است که کودکان کار دیده می‌شوند و سیمای شهر را زبیا می‌کنند. به همین دلیل از واژه «جمع‌آوری» که در شهرداری مختص به زباله است، استفاده می‌شود. ویژگی مهم دیگر چنین طرح‌هایی، استفاده از ابزارهای قهری و تنبیهی است که مستقیماً هم متوجه خود کودکان می‌شود. یعنی با طرح جمع‌آوری، کودکان هدف قرار گرفته می‌شوند تا خانواده‌های آن‌ها مجازات شوند. مکانیزم چنین فرایندی هم چیزی نیست جز آزار کودکان در مراکز ساماندهی و نگهداری. ویژگی سوم طرح‌های ساماندهی، ضربتی بودن آن‌هاست. طرح‌ها اساساً مقطعی شروع می‌شوند و در زمانی خاص هم به پایان می‌رسند. به زبان بهتر، هدف طرح‌های جمع‌آوری، از بین بردن کار کودکان نیست، بلکه هدف این است که در مقاطعی خاص که کار کودک در عرصه عمومی مشهود است، با حمله و ناامن کردن فضا، اندکی از میزان و شدت کار کودک کم کنند و این چرخه به‌طور مداوم هم تکرار می‌شود. طرح‌های جمع‌آوری در عین حال ارزان‌ترین شکل مقابله با کار کودکان است. به این صورت که با کمترین بودجه ممکن آن‌ها هم در مدت زمانی کوتاه وارد می‌شوند و اثری کوتاه هم در عرصه عمومی شهر برجای می‌گذارد. گویا برای هیچ کدام از ارکان اجرای طرح، اهمیتی ندارد که کودکان کار بعد از دستگیری به کجا منتقل می‌شوند و چه سرنوشتی خواهند داشت. کما اینکه پشتوانه قانونی طرح‌های ساماندهی نیز بر همین اساس چیده شده و نوعی تقسیم‌کار بین سازمانی است تا فرایند‌های انضباطی

اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و راجعفری، مدیر کل دفتر آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی، آرش نصر اصفهانی، مدیر کل دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و فرشید یزدانی، مدیر انجمن دفاع از حقوق کودکان و کارشناس تأمین اجتماعی، همگی اذعان کردند طرح ساماندهی کودکان کار در جهت‌گیری و اجرا، کاستی‌های فراوان دارد که به باز تولید کار کودکان منجر شده است. مدعین نشست تاکید کردند تا دیر نشده باید از ظرفیت‌های نهادهای مردمی بهره گرفت و در مسیر حمایت‌های اجتماعی به خصوص پشتیبانی رفاهی از خانواده‌های این گروه‌ها پیش رفت. موضوعی که توحیدنی اعلام کرد، وزارت رفاه در اصلاحیه جدیدی که بر آیین‌نامه ساماندهی زده، پیگیر آن است. در ادامه شرح کامل این نشست را در قالب چهار گفتار مستقل می‌خوانید.

برای برخی، موضوع فضای عمومی شهر مهم‌تر است تا کودکان کار

و تنبیهی طی شود. در برابر این شمای کلی طرح، می‌توان پیشنهادهای سیاستی آلترناتیو هم مطرح کرد. در سیاست آلترناتیو قاعدتاً باید به همه اشکال کار کودک توجه کرد. در واقع مسئله اصلی، کم‌شدن کار کودک است و نه حذف آن. یعنی می‌توان با برنامه‌ریزی جامع و مناسب و بلندمدت، انواع کار کودک را شناسایی و هدف‌گذاری کرد و برای رفع آن با هماهنگی و تقسیم کار ملی، کوشید. جامع بودن برنامه، چیزی فراتر از تقسیم کار امروزی میان سه سازمان بهزیستی، شهرداری و وزارت رفاه است و در واقع مبتنی بر همه ویژگی‌ها و شرایطی است که توجه به آن‌ها منجر به کاهش کار کودک می‌شود. برای مثال، تا زمانی که شرایط تحصیل برای کودکان فراهم نباشد، احتمال کار کودکان افزایش می‌یابد. توسعه حمایت‌های اجتماعی، دیگر، سیاست جایگزین برای جلوگیری از کار کودکان است. تا زمانی که پوششش تأمین اجتماعی توسعه نیابد و خانوارها از حمایت‌های لازم برخوردار نباشند، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم فرزندان آن‌ها به جای مدرسه، جای دیگری نروند. موضوع دیگر، اشتغال نیروی کار است. تا زمانی که برای افراد در سن اشتغال، شغل در دسترس نباشد، به احتمال فراوان کودکان بسیاری در تأمین معاش خانواده مشارکت خواهند کرد. در نهایت نیز آنچه اهمیت به‌مراتب بالایی در موضوع کاهش کودکان کار دارد، وجود قوانین حمایتی از این گروه‌هاست. در کشور ما متأسفانه قوانین و مقررات به‌جای اینکه متوجه سوءاستفاده‌کنندگان از کودکان باشد، متوجه خود کودکان است. در این زمینه ضعف اساسی داریم و به همین ترتیب نیز توجه‌ها به ابزارهای قهری بیش از آنکه به‌سوی سوءاستفاده‌کنندگان باشد، متوجه خود کودکان است. با این حال اگر ما همین کارها را انجام دهیم، مسئله‌ای مهم به نام کودکان افغانستانی نیز باقی می‌ماند. در این زمینه کلید حل مسئله، برخورد با قاچاقچیان است که کودکان را وارد کشور می‌کنند و نه ردمز کردن آن‌ها. حداقل کاری که در این زمینه می‌توان انجام داد، تدوین قواعدی است که از میزان قاچاق کودکان کم کند.

